

Investigating the impact of discrimination in budget distribution on inclusive growth in different provinces of Iran

Mohammad Ghaffari Fard¹, Seyyad Hasan Ghavami², Yazdan Alirezae³

¹Associate Professor of Economic Sciences, Ahlul Bayt University, Tehran, Iran
mghaffaryfard@abu.ac.ir (Corresponding Author)

²Assistant Professor of Business Economics, Allameh Tabatabai University,
Tehran, Iran | h.ghavami@atu.ac.ir

³M. A. in Economic Sciences, Ahlul Bayt University, Tehran, Iran
yazdanali155953@gmail.com

Received: 2023/11/07 Accepted: 2024/01/22

Abstract

In recent decades, achieving economic growth along with equal distribution and increasing the quality of life has been formed in the form of inclusive growth in economic literature. The present study has investigated the factors affecting inclusive growth with an emphasis on economic discrimination in the provinces of Iran using the panel data method through the Eviews program. The results of the research show that a one percent increase in the economic participation of the labor force increases the overall growth of Iran's provinces by 0.847 percent. With a one percent increase in the ratio of bank loans, the overall growth of Iran's provinces increases by 0.255 percent. This means that the ratio of bank credits is a positive influencing factor on the overall growth of Iran's provinces. The variable coefficient of economic discrimination in the budget also has negative effects on inclusive growth with a coefficient of -0.155 percent. However, the inflation variable has had a negative and significant effect on the overall growth of Iran's provinces. With a one percent increase in the inflation rate, the overall growth of Iran's provinces will decrease to -0.123 percent, so the economic policymakers should decentralize bank credits, economic participation along with the balance in the distribution of budget credits and pay attention to the economic advantages of each region in order to increase the overall growth in the provinces of Iran.

Keywords: Inclusive growth, Discrimination in budget distribution, Labor force participation, Economic growth, Bank credit ratio.

بررسی تأثیر تبعیض در توزیع بودجه بر رشد فراگیر در استان‌های مختلف ایران

محمد غفاری فرد^۱، سید حسن قوامی^۲، یزدان علی رضایی^۳

^۱دانشیار علوم اقتصادی، دانشگاه اهل بیت (ع)، تهران، ایران

mghaffaryfard@abu.ac.ir (نویسنده مسئول)

^۲استادیار اقتصاد بازرگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

h.ghavami@atu.ac.ir

^۳کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه اهل بیت (ع)، تهران، ایران

yazdanali155953@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲

چکیده

در دهه‌های اخیر رسیدن به رشد اقتصادی به همراه توزیع برابر و بالا رفتن کیفیت زندگی در قالب رشد فراگیر در ادبیات اقتصادی شکل گرفته است. پژوهش حاضر به بیان بررسی عوامل مؤثر بر رشد فراگیر با تأکید بر تبعیض در توزیع بودجه در استان‌های ایران با استفاده از روش پانل دیتا (داده‌های تابلویی) از طریق نرم‌افزار ایویوز پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که یک درصد افزایش مشارکت اقتصادی نیروی کار، رشد فراگیر استان‌های ایران را به اندازه ۰٫۸۴۷ درصد افزایش می‌دهد. با یک درصد افزایش در نسبت اعتبارات بانکی، رشد فراگیر استان‌های ایران به اندازه ۰٫۲۵۵ درصد افزایش می‌کند. این بدان معنی است که نسبت اعتبارات بانکی یک مؤلفه تأثیرگذار مثبت بر رشد فراگیر استان‌های ایران است. ضریب متغیر تبعیض در توزیع بودجه نیز دارای اثرات منفی بر رشد فراگیر با ضریب ۰٫۱۵۵- درصد می‌باشد. متغیر تورم اثر منفی و معنی‌دار بر رشد فراگیر استان‌های ایران گذاشته است. با یک درصد افزایش در نرخ تورم، رشد فراگیر استان‌های ایران به اندازه ۰٫۱۲۳- درصد کاهش می‌یابد. بنابراین سیاست‌گذاران اقتصادی جهت افزایش رشد فراگیر در استان‌های ایران تمرکززدایی در اعتبارات بانکی، مشارکت اقتصادی به همراه توازن در توزیع اعتبارات بودجه و توجه به مزیت‌های اقتصادی هر منطقه را مورد توجه قرار دهند.

واژگان کلیدی: رشد فراگیر، تبعیض در توزیع بودجه، مشارکت نیروی کار، رشد اقتصادی، نسبت اعتبارات بانکی.

۱. مقدمه

بایستی کشورها از جمله ایران رشد اقتصادی را به‌عنوان ابزاری برای بالا بردن سطح زندگی و بهبود وضعیت رفاه مردم در نظرگیرند. توجه صرف به رشد اقتصادی نمی‌تواند نشان‌دهنده بهبود در وضعیت کلی جامعه باشد و نیاز است که رشد فراگیر در همه مراحل تشخیص و موردتوجه قرار گیرد تا شاهد تقسیم عادلانه منافع حاصل از تولید بین افراد و گروه‌های اجتماعی و مشارکت افراد در افزایش تولید ناخالص داخلی ایران باشیم. به دلیل جدید بودن عنوان و مطالعات اندک در زمینه رشد فراگیر و اولویت آن در مجموعه اهداف سیاست‌گذاران، این پژوهش با هدف پاسخ به پرسش‌هایی نظیر مفهوم رشد فراگیر چیست و چگونه اندازه‌گیری می‌شود و وضعیت استان‌های ایران در مقایسه با یکدیگر در شاخص‌های رشد فراگیر چگونه است؛ به بررسی ادبیات پرداخته و یک چارچوب مفهومی برای بررسی عوامل مؤثر بر رشد فراگیر در استان‌های ایران با تأکید بر تبعیض اقتصادی طی دوره زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ را معرفی می‌کند. به‌منظور دقت بیشتر، شاخص‌های مناسب در زمینه‌های رشد اقتصادی، اشتغال و بهره‌وری، زیرساخت‌های اقتصادی، فقر و نابرابری، آموزش و عدالت جنسیتی با استفاده از روش شاخص ترکیبی به‌طور جداگانه برآورد می‌شود. این شاخص‌ها می‌توانند به استان‌ها کمک کند تا پیشرفت خود را در دستیابی به رشد فراگیر ارزیابی نماید. هدف دولت‌ها از بررسی این پدیده، دستیابی به رفاه و رشد اقتصادی بالا و کاهش فقر و نابرابری بوده است. مطالعات نشان می‌دهد که رشد بالا به‌خودی‌خود لزوماً منجر به پیامدهای اجتماعی خوب نخواهد شد؛ زیرا مهم است تا بررسی نماییم آیا رشد فراگیر است یا خیر (تورات، ۲۰۱۱). وقتی در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی نگاهی بیندازیم، رشد اقتصادی ۸ درصد و ضریب جینی ۳۴ درصد قابل مشاهده است. لذا مفهوم رشد فراگیر که در اقتصاد توسعه مطرح و قابل بحث است، دلالت بر این موضوع دارد که همه‌ی اقشار جامعه به‌ویژه فقرا از منافع رشد بهره‌مند شوند (علی و سان، ۲۰۰۷). رشد فراگیر به معنی این‌که همگی افراد جامعه از رشد بهره‌مند شده و به عناصر اصلی رشد فراگیر مانند خدمات مالی، بهداشت، آموزش، اشتغال و سایر خدمات که نیاز اولیه جامعه هستند، بدون توجه به درآمد، جنسیت، اقلیت، ملیت و مکان باید دسترسی داشته باشند (اکونومیست، ۲۰۱۷).

افزایش رشد اقتصادی و کاهش نابرابری از چالش‌های اصلی هر دولت است. دولت‌ها با اجرای رویکرد جدید برای افزایش رشد و رفع نابرابری‌ها از جمله درآمد باید به‌صورت هم‌زمان توجه نمایند؛ زیرا دولت‌ها با در اختیار داشتن منابع و چگونگی تخصیص آن‌ها که با مفهوم تبعیض اقتصادی بررسی می‌شود، می‌تواند نقش مهمی در فراگیر شدن رشد ایفا نماید. لذا یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر رشد فراگیر، سیاست‌های دولت است؛ بنابراین، رشد فراگیر یک عرصه در حال تحول در اقتصاد است که سعی دارد تمام عوامل مهم رفاه بشری نظیر فقر، نابرابری درآمد، سطح اشتغال، نابرابری جنسیتی و رشد اقتصادی را در هم ادغام نماید (گوهری، ۱۳۹۹). این مقاله با هدف بررسی عوامل مؤثر بر رشد فراگیر با تأکید بر تبعیض اقتصادی در پهنه

سرزمین ایران صورت گرفته است. پس از بیان مقدمه به ترتیب به مبانی نظری، پیشینه پژوهش، روش پژوهش، تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش، نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۱.۲. مفهوم رشد فراگیر

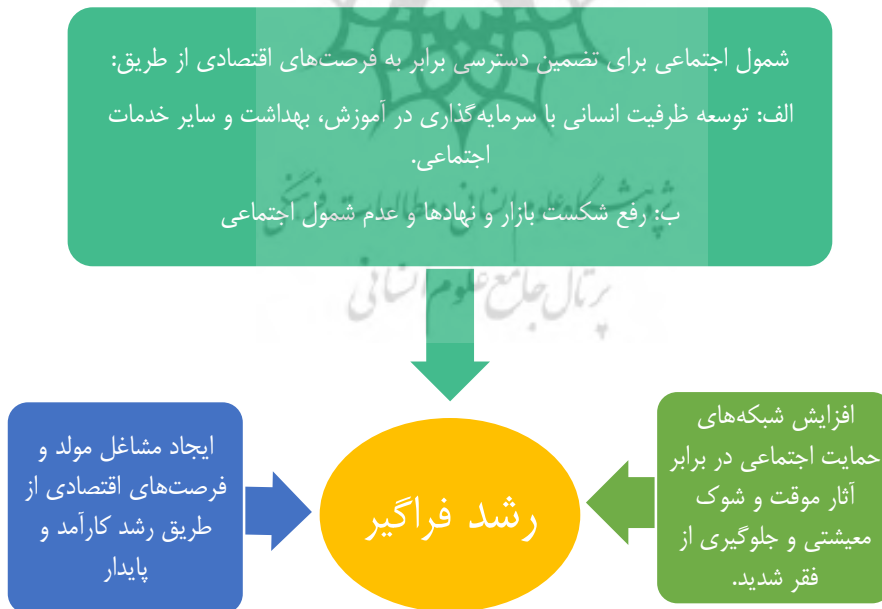
یکی از اهداف اساسی دولت‌ها همیشه دستیابی به رفاه عمومی و کاهش فقر در جامعه بوده است. مطالعات و گسترش نظریه‌ها و مدل‌های رشد اقتصادی نیز به همین دلیل در نقاط مختلف دنیا انجام شده است. در دهه ۱۹۵۰ در بین مردم یک نظریه به وجود آمد که همه اقشار جامعه از مزیت‌های رشد اقتصادی در یک جامعه برخوردار می‌شود که البته این نظریه برگرفته شده از نظریه ریزش از غنی به فقیر، یعنی کسب منافع فقرا از رشد با تأخیر نسبت ثروتمندان یک جامعه انجام می‌شود، گرفته شده است. کوزنتس (۱۹۵۵) رابطه بین رشد اقتصادی و نابرابری را بررسی کرد. در ابتدا با رشد اقتصادی نابرابری افزایش می‌یابد تا زمانی که رشد اقتصادی در سطح ثابت شود، بعد فقر در جامعه شروع به کاهش می‌کند. داینینگر و اسکواپر (۱۹۹۶) بیان داشتند تجارب نشان داده که در اکثر کشورهای دنیا با وجود رشد اقتصادی بسیار بالا، نه تنها نابرابری و فقر بهبود نیافته بلکه با افزایش نرخ رشد، نابرابری در جامعه بیشتر شده است. دوام فقر و عدم موفقیت سیاست‌های رشد اقتصادی در مسئله کاهش فقر و نابرابری در کشورها، منجر به وجود آمدن مفهوم رشد فراگیر شد. رشد فراگیر یکی از جدیدترین مفهومی است که در این زمینه به وجود آمده است و مطالعات قبل در رابطه با فقر و نابرابری باعث شد که مفهومی جدیدی بنام رشد فراگیر به وجود آید. اولین مطالعاتی که در آن از اصطلاح رشد فراگیر بکار رفته، مطالعه کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰) است که طبق این مطالعه زمانی که افراد فقیر بتوانند در اکثر فعالیت‌های اقتصادی شرکت کنند و به نحوی کامل از این فعالیت‌ها بهره‌مند شوند و به طوری که هیچ‌یک از افراد جامعه از حداقل امکانات ضروری زندگی در جامعه‌شان محروم نباشد، این رشد را بنام رشد فراگیر یاد می‌کند.

رشد فراگیر توسط سازمان‌های بین‌المللی از جمله بانک توسعه آسیایی (ADB) و بانک توسعه آفریقا (AFDB) ترویج شده است. از دیدگاه بانک توسعه آسیایی، رشد اقتصادی زمانی منجر به کاهش فقر می‌شود که با برنامه توسعه اجتماعی جامع همراه باشد. یکی از ارکان این برنامه جامع، تمرکز بر توسعه سرمایه انسانی و اجتماعی است؛ که به معنای دسترسی مردم به آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، خدمات ضروری و افزایش فرصت‌ها برای مشارکت فعال فقرا در تصمیم‌گیری است. در سال ۲۰۰۸، بانک انکشاف آسیایی چارچوب استراتژی بلندمدت ۲۰۰۸-۲۰۲۰ (استراتژی ۲۰۲۰) را معرفی کرد که شامل یک برنامه توسعه جامع مبتنی بر رشد است که دربرگیرنده ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای افراد است. این امر مستلزم افزایش ظرفیت‌های انسانی به‌ویژه برای اقشار محروم جامعه است تا با خدمات اجتماعی مانند

آموزش، سلامت و بهبود سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، منجر به افزایش ثروت مردم شود (بانک توسعه آسیایی، ۲۰۰۸).

۲.۲. عوامل تعیین‌کننده رشد فراگیر

در یک برنامه جامع برای دستیابی به رشد همه‌جانبه، نقش دولت و سیاست‌های اتخاذ شده توسط آن بسیار مهم است. دولت باید بتواند با رفع موانع شکست بازار، نهادها و سیاست‌ها، محیط کارآمدی برای سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی و اشتغال مولد ایجاد کند. این امر مستلزم سرمایه‌گذاری دولت و ادارات دولتی در زیرساخت‌ها، سرمایه انسانی، ثبات اقتصاد کلان، حمایت از حقوق مالکیت و حاکمیت قانون است. کشوری که رشد اقتصادی بالایی دارد اما در کنار آن کاهش قابل‌توجهی در فقر پیدا نکرده است، بایستی علاوه بر سرعت رشد، بر الگوی رشد نیز تمرکز کند تا فرصت‌های ایجاد شده در اثر رشد اقتصادی در اختیار کل جامعه قرار گیرد؛ و رشد گسترده‌ای در بین تمام بخش‌ها به دست آید. یکی دیگر از عوامل مؤثر بر رشد دانش آموزان، دسترسی به خدماتی مانند آموزش، بهداشت و سایر خدمات عمومی است که دولت نقش بسیار مهمی در ارائه آن‌ها دارد.



شکل ۱. عوامل تعیین‌کننده رشد فراگیر

- دولت باید شبکه‌های حمایتی اجتماعی را در قالب‌های زیر فراهم و توسعه دهد:
- تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های بازار کار باهدف کاهش ریسک بیکاری و حداقل دستمزد و بازار ناقص کار و غیره.
 - بیمه‌های اجتماعی به‌منظور کاهش خطر بیماری، بیکاری، بازنشستگی، بلایای طبیعی و حوادث غیرمترقبه ناشی از کار و غیره
 - ایجاد طرح‌های رفاهی و اجتماعی برای ارائه خدمات رفاهی و اجتماعی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر مانند اقشار محروم، خانواده‌های دست‌وپنجه نرم‌کننده با فقر و غیره
 - طرح‌های رشد کودکی مانند تغذیه در مدارس، کمک به هزینه‌های آموزشی، خدمات بهداشتی برای مادران و کودکان و غیره (علی و سون، ۲۰۰۷). آن‌ها معتقدند که یک استراتژی رشد فراگیر مؤثر باید شامل عناصر سیاست زیر باشد:
 - ایجاد مشاغل مولد و فرصت‌های اقتصادی از طریق رشد کارآمد و پایدار.
 - شمول اجتماعی برای تضمین دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی.
 - توسعه ظرفیت انسانی با سرمایه‌گذاری در آموزش، بهداشت و سایر خدمات اجتماعی.
 - رفع شکست بازار و نهادها و عدم شمول اجتماعی.
 - افزایش شبکه‌های حمایت اجتماعی در برابر آثار موقت و شوک معیشتی و جلوگیری از فقر شدید.

۳,۲. تبعیض اقتصادی

یکی از اهداف آرمانی هر جامعه رعایت و حفظ حقوق همه افراد جامعه و برقراری عدالت است. یکی از مصادیق تحقق عدالت، عدم تبعیض در عرصه‌های مختلف نژادی، قومیتی، جنسیتی، اقتصادی و غیره است. تبعیض یعنی کم‌وبیش دادن به فرد یا گروهی که شرایط و ویژگی‌های یکسانی نسبت به دیگران دارند.

تبعیض اقتصادی را می‌توان در قالب تبعیض اقتصادی بین استان‌های کشور بررسی کرد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به آن اشاره شده است. در اصل ۴۸ نیز آمده است: در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمد ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی بین استان‌ها و مناطق نباید تبعیض وجود داشته باشد. دیوید هاروی (۱۹۷۳) بر اساس نظریه عدالت اجتماعی که توزیع عادلانه را بر اساس معیارهای نیاز و منفعت مشترک می‌داند، عدالت منطقه‌ای را چنین تعریف می‌کند: (۱) - توزیع درآمد باید به‌گونه‌ای باشد که: الف) نیازهای هر منطقه را برآورده کند. ب) تخصیص منابع به‌گونه‌ای انجام شود که ضرایب رشد بین مناطق به حداکثر برسد. ج) تخصیص منابع اضافی در حل مشکلات خاص ناشی

از محیط اجتماعی و کالبدی مؤثر باشد. ۲- سازوکارها (نهادی، سازمانی، سیاسی و اقتصادی) به گونه‌ای باشد که چشم‌انداز زندگی در محروم‌ترین مناطق تا حد امکان بهبود یابد.

۴.۲. شاخص تبعیض اقتصادی

طبق قانون اساسی توزیع درآمد ملی بین استان‌ها باید بر اساس ظرفیت و نیاز استان باشد. سپس دو شاخص تبعیض بر اساس ظرفیت و نیاز تعریف شده و از ترکیب این دو شاخص، شاخص کلی تبعیض اقتصادی بین مناطق به دست می‌آید (عزتی، ۱۳۹۲). برای تعیین ظرفیت هر استان می‌توان از سه متغیر جمعیت، مساحت و ارزش افزوده هر استان استفاده کرد. برای نیازهای هر استان از سه مبنای اصلی نیاز یعنی کار، تحصیل و بهداشت استفاده می‌شود.

۳. پیشینه پژوهش

۱.۳. پیشینه خارجی

آندره کریز وواتیه و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی تحت عنوان توسعه اقتصاد فراگیر به‌عنوان پایه رشد اقتصادی اقتصاد جهانی، بعد از تحلیل و ارزیابی به این نتیجه رسیدند که در حال حاضر هیچ تعریف جهانی از مفهوم اقتصاد فراگیر وجود ندارد؛ بنابراین، برای بررسی کامل موضوع پژوهش، آن‌ها در این پژوهش ماتریسی از تجزیه و تحلیل SWOT را ایجاد کردند که در آن نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها مقایسه و استراتژی‌ها برای توسعه بیشتر به دست می‌آید؛ به این نتیجه رسیدند که در شرایط امروز، اقتصاد فراگیر دارای فرصت‌ها و پتانسیل‌های زیادی برای اجرای مؤثر است. سپس آن‌ها پیشنهاد کردند برای توسعه کیفی یک اقتصاد فراگیر انتخاب یک استراتژی (SWOT) ضروری است که در آن کشورها باید اقدامات فعال برای تقویت موقعیت‌های اقتصادی خود انجام دهند.

سانترین تو و جونیاردی (۲۰۲۳)، به بررسی تأثیر رشد سبز فراگیر و توسعه انسانی فراگیر از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ در ۳۴ استان اندونزی پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رشد سبز فراگیر متأثر از توسعه انسانی فراگیر، عملکرد مالی منطقه‌ای و صنعتی‌سازی است. علاوه بر این، توسعه انسانی فراگیر در اندونزی تحت تأثیر رشد سبز فراگیر و دموکراسی است. بلایای طبیعی هیچ تأثیری در توسعه انسانی فراگیر ندارد.

رینی و تامبونان (۲۰۲۱)، رشد اقتصادی فراگیر را برای دوره ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ در ۳۴ استان اندونزی بررسی کردند؛ در نتیجه پژوهش آن‌ها دریافتند که در اندونزی رشد اقتصادی تا هنوز به‌طور کامل فراگیر نشده است؛ بنابراین مشخص شد فقط خانواده‌های که به فن‌آوری و انرژی دسترسی دارند، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی فراگیر در اندونزی دارند.

استسکا و جابلونسکا (۲۰۲۱) در پژوهشی درجه از رشد فراگیر و ۴۲ عامل آن را در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا در سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۸ و ۲۰۲۰ بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فقط چهار کشور (دانمارک، لوکزامبورگ، سوئد و فنلاند) بالاترین و سه کشور (بلغارستان، کرواسی و رومانی) کمترین رشد فراگیر را در ۲۱ سال گذشته تجربه کردند.

داترلر و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای نقش اقتصاد سیاسی را بر رشد فراگیر بررسی کردند. آن‌ها دریافتند که نیروهای اقتصاد سیاسی در سمت تقاضا و عرضه توزیع مجدد را در طول زمان تضعیف و به موج جدید از پوپولیسیم کمک کردند. آن‌ها نقش حمایت رو به رشد از تجدیدنظر در قرارداد اجتماعی را مؤثر دانسته تا اینکه رشد را فراگیرتر و برخی از عناصر گسترده آن‌ها را مورد بحث قرار دادند.

رامدهانی و راهمواتی (۲۰۲۰)، تحلیل رشد اقتصادی فراگیر را در شهرها و روستاهای شرق جاوا در بین سال‌های ۲۰۱۵ الی ۲۰۱۹ انجام دادند. هدف از این پژوهش ارائه یک نمایی کلی از چگونگی وضعیت ایده آل یک اقتصاد فراگیر در استان شرق جاوا است. آن‌ها برای تعیین وضعیت رشد اقتصادی فراگیر روش ADB و UNDP را انتخاب کردند. روش ADB برای اندازه‌گیری رشد فراگیر در کشورهای در حال توسعه به‌ویژه در منطقه آسیا و شاخص‌های آن با شرایط و مشکلات کشورهای در حال توسعه تطبیق داده شده‌اند. در حالی که روش UNDP به‌عنوان مقایسه‌ای برای تعیین وضعیت یک اقتصاد فراگیر در صورتی که متغیرهای رشد در محاسبات در نظر گرفته نشده‌اند، می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس رویکرد بانک توسعه آسیای همه روستاها و شهرهای شرق جاوا در حالت مطلوبی قرار دارند. در حال که بر اساس رویکرد برنامه توسعه سازمان ملل متحد برخی روستاها در سطح بالا و همه شهرها و برخی روستاها در سطح متوسط قرار دارند.

جورج ماتئو سیم بلن و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای به تجزیه و تحلیل در حمایت از منطقه اقتصادی فراگیر در دریای چین جنوبی پرداختند. آن‌ها بیان می‌کنند که چگونه می‌توان قواعد و اصول بین‌المللی را به‌طور مؤثر توسط ASEAN به کار گرفت که منجر به رشد اقتصادی فراگیر شود.

نویسندگان با ارائه نتایج سه اصل را توضیح دادند. اصل اول ASEAN به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی متشکل از کشورهای مستقل باید تعهدات اولیه خود را تحت منشور UNCLOS در سال ۱۹۸۲ با حسن نیت انجام دهد. دوم ASEAN از حقوق حاکمیتی خود در منطقه آزاد دریایی چین جنوبی مطابق با حقوق دولت ساحلی طبق منشور ۱۹۸۲ استفاده کند. اصل سوم ASEAN باید از درگیرهای مسلحانه بالقوه ناشی از تنش چین، تایوان و پیمان اتحادیه افریقا در این منطقه جلوگیری کند.

الکینیا و کانلی (۲۰۲۰)، به تجزیه و تحلیل رشد فراگیر در کشورهای ASEAN پرداختند. آن‌ها دریافتند که در چند دهه گذشته کشورهای آسیایی رشد اقتصادی سریع همراه با کاهش چشم‌گیر نرخ فقر را تجربه کردند، اما نابرابری درآمدی کاهش نیافته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عوامل ساختاری بر رشد

فراگیر و مؤلفه‌های آن مانند توزیع مجدد مالی، مشارکت نیروی کار زن، رشد بهره‌وری، جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، دیجیتال‌سازی و پس‌انداز به‌طور قابل‌توجهی در رشد فراگیر در ASEAN کمک می‌کند.

هدایت و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی تجزیه‌وتحلیل عوامل تأثیرگذار رشد اقتصادی فراگیر در یوگیاکارتا از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که عواملی مانند مصرف خانوار، صادرات خدمات یا کالا، سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری داخلی، درآمد سرانه و میانگین مطالعه در طول سال تأثیر مثبت، و بیکاری و واردات خدمات یا کالا تأثیر منفی بر رشد فراگیر دارند.

۲,۳. پیشینه داخلی

مزینی (۱۴۰۰) در مقاله‌ی رشد فراگیر در استان‌های ایران: سیاست‌ها و شاخص‌ها پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که رشد فراگیر در سال‌های اخیر در استان‌های ایران کم بوده و هم‌زمان که مشارکت نیروی کار نقش مؤثر و معناداری بر رشد فراگیر داشته است؛ اما سیاست‌گذاری‌های دولت نقش مؤثر و معناداری بر کاهش فقر و نابرابری نداشته‌اند. در جمع‌بندی به این نظر می‌رسد حرکت در مسیر رشد فراگیر نیازمند طراحی و اجرای یک بسته سیاستی منسجم از ابعاد مختلف است.

گوهری (۱۳۹۹) در مطالعه جامع رشد فراگیر، به محاسبه شاخص ترکیبی رشد فراگیر در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ برای کشورهای منتخب با درآمد متوسط به بالا از جمله ایران می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که میزان فراگیری رشد اقتصادی ایران در مقایسه با کشورهای منتخب کمتر بوده که این باعث فاصله گرفتن رشد فراگیر در ایران در مقایسه با متوسط رشد فراگیر کشورهای منتخب بوده است.

غفاری فرد و شجاعی (۱۳۹۸) به بررسی شاخص ترکیبی تبعیض اقتصادی بین استان‌های ایران بر اساس اصول قانون اساسی و مبانی شاخص توسعه انسانی با توجه به ظرفیت و نیاز استان‌ها در نحوه توزیع بودجه در سال‌های اول و آخر دولت دهم و یازدهم پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که میانگین سه‌ساله توزیع بودجه نسبت به نیازها و ظرفیت‌ها، استان‌های مرکزی، البرز، آذربایجان شرقی و هفت استان دیگر در بدترین وضعیت و توزیع بودجه به ضرر آن‌ها است. توزیع بودجه بین استان‌های گلستان، خراسان رضوی، کرمان و هفت استان دیگر مطابق با نیازها و ظرفیت آن‌هاست. همچنین توزیع بودجه بر اساس نیازها و ظرفیت‌ها به نفع استان‌های قم، خراسان جنوبی، گیلان و هشت استان دیگر صورت گرفته است.

ملکی شهرپور (۱۳۹۷) به بررسی اثرات تبعیض اقتصادی بر رشد اقتصادی بین منطقه‌ای طی دوره زمانی ۱۳۶۷ الی ۱۳۹۳ پرداخته است. بررسی‌ها حاکی از آن است که وجود تبعیض و نابرابری، فاصله اجتماعی را افزایش و سرمایه اجتماعی را بین افراد جامعه کاهش می‌دهد. ۱ درصد افزایش تبعیض اقتصادی باعث کاهش ۰,۰۴۷ تولید ناخالص داخلی بدون نفت می‌شود. نتیجه دیگر اینکه تأثیر منفی تبعیض بیشتر از تأثیر

مثبت درآمدی نفتی بر رشد اقتصادی است؛ یعنی توزیع ناعادلانه بودجه اثر مثبت درآمدی نفتی را بر تولید ناخالص داخلی بدون نفت خنثی نماید.

میر جلیلی و همکاران (۱۳۹۷)، به بررسی عوامل مؤثر بر رشد فراگیر کشورهای منتخب سازمان همکاری اسلامی طی دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد، رشد تولید ناخالص داخلی سرانه مهم‌ترین عامل رشد فراگیر کشورهای منتخب اسلامی طی این دوره بوده است. کنترل تورم، رشد سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری، مصرف دولت و باز بودن تجاری از عوامل مؤثر بر رشد فراگیر در کشورهای منتخب است؛

۴. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل ۳۱ استان کشور ایران است که اطلاعات متغیرهای آن طی سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ از طریق سایت آمار ایران به دست آمده است. از منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب، مجلات، پایان‌نامه‌ها، مقالات و اینترنت بهره برده که از این روش برای انجام مطالعات مقدماتی، ویرایش فصل ادبیات پژوهش و چارچوب نظری پژوهش استفاده می‌شود. در این پژوهش از مدل رگرسیون خطی چند متغیره برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است و از نرم‌افزار Eviews برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. در این پژوهش متغیر وابسته رشد فراگیر و متغیرهای مستقل تبعیض اقتصادی در توزیع بودجه، نرخ مشارکت نیروی کار (نرخ مشارکت اقتصادی)، نسبت اعتبارات بانکی و تورم می‌باشد. مدل ریاضی پژوهش حاضر به شکل زیر می‌باشد:

$$\text{LINCLUSIVE_GROWTH} = C(1) * \text{LECONOMI_PARTNERSHIP} + C(2) * \text{LBANK_CREDIT_RATIO} + C(3) * \text{LECONOMIC_DISCRIMINATION} + C(4) * \text{LINFLATION}$$

۴.۱. روش مورس و محاسبه شاخص‌های رشد فراگیر

روش مورس یکی از جدیدترین و کاربردی‌ترین فن‌های برنامه‌نویسی است که کاربردهای متعددی دارد. از این روش معمولاً برای ترکیب شاخص‌ها و تعیین محل توسعه هر یک از واحدها و سپس به رتبه‌بندی مناطق استفاده می‌گردد. در این مدل شاخص رشد فراگیر در استان‌های ایران بر اساس ابعاد مختلف رشد و شاخص‌های آن از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود.

$$Y_{ij} = \left(\frac{X_{ij} - X_{i \min}}{X_{i \max} - X_{i \min}} \right) * 100$$

در فرمول فوق Y_{ij} ، شاخص نهایی موريس برای متغير مورد i ام در استان j ام، X_{ij} متغير i ام در استان j ام است. هدف از $X_{i \min}$ حداقل مقدار متغير i ام در بين متغيرها است و هدف از $X_{i \max}$ حداكثر مقدار متغير i ام در بين متغيرها می‌باشد.

جدول ۱. شاخص‌ها و ابعاد رشد فراگیر

ابعاد رشد فراگیر	شاخص
رشد اقتصادی	تولید ناخالص داخلی سرانه (کاسم و همکاران، ۲۰۱۹) رشد تولید ناخالص داخلی (کاسم و همکاران، ۲۰۱۹)
بهره‌وری	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) به ازای هر نفر شاغل (اهداف توسعه هزاره (MDG)
اشتغال	متوسط نرخ بیکاری (OECD، ۲۰۱۴) نرخ اشتغال جمعیت بین ۱۵ تا ۲۴ (ADB، ۲۰۱۳) نرخ اشتغال جمعیت بین ۲۰ تا ۶۰ (EC، ۲۰۱۵)
آموزش	نرخ باسوادی بزرگ‌سالان (هییتو، ۲۰۰۹) نرخ ثبت‌نام ابتدایی و متوسط (مک کینلی، ۲۰۱۰) نسبت دانش‌آموز و معلم (ADB، ۲۰۱۳)
زیرساخت‌های اقتصادی	نسبت جمعیتی که به برق دسترسی دارند تعداد مشترکین تلفن همراه در هر ۱۰۰ نفر نسبت جمعیت که به اینترنت دسترسی دارند
نابرابری	ضریب جینی (مک کینلی، ۲۰۱۰)
عدالت جنسیتی	نسبت زنان باسواد به مردان باسواد در میان سنین ۱۵ تا ۲۹ سال (مرکز آمار ایران) - نسبت دختران به پسران در دوره متوسط (مرکز آمار ایران)

۲.۴. محاسبه شاخص تبعیض اقتصادی

تبعیض اقتصادی به معنی تخصیص امکانات و درآمدهای ملی به استان‌ها بدون رعایت نیازها و استعدادهای (ظرفیت‌های) استان‌ها که به بهره‌برداری از منابع طبیعی و توزیع فعالیت‌های اقتصادی اثر دارد (عزتی و همکاران، ۱۳۹۲). برای تعیین ظرفیت هر استان می‌توان از سه متغير جمعیت، مساحت و ارزش افزوده هر استان استفاده کرد. برای نیازهای هر استان از سه مبنای اصلی نیاز یعنی کار، تحصیل و بهداشت استفاده می‌شود. ملاک نیاز به کار تعداد افراد بیکار، ملاک نیاز به تحصیل تعداد افراد بی‌سواد و ملاک نیاز به سلامت، امید به زندگی در نظر گرفته می‌شود. همچنین درآمد ملی در قالب بودجه به دو صورت هزینه‌های

جاری و هزینه‌های سرمایه‌ای توسط دولت به استان‌ها اختصاص می‌یابد. در مورد شاخص‌های تشکیل‌دهنده شاخص تبعیض اقتصادی، داده‌های زیر مورد نیاز است:

شاخص‌های تشکیل‌دهنده شاخص تبعیض اقتصادی، بر اساس نیاز و ظرفیت استان بصورت زیر محاسبه شده است:

برای محاسبه جمعیت کل کشور و هر استان و همچنین سهم استان از کل کشور از فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$P^{pi} = \frac{pi}{\sum_1^n pi}$$

که pi جمعیت استان i ام و P^{pi} سهم جمعیت استان i ام از جمعیت کل کشور است.

برای مساحت کل کشور و هر استان و همین‌طور سهم هر استان از کل کشور از فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$P^{Mi} = \frac{Mi}{\sum_1^n Mi}$$

که Mi مساحت استان i ام و P^{Mi} سهم مساحت استان i ام از مساحت کل کشور است.

مقدار ارزش افزوده استان‌ها و کل کشور و همچنین سهم هر استان از کل کشور را می‌توان از طریق فرمول زیر به دست آورد:

$$P^{Vi} = \frac{Vi}{\sum_1^n Vi}$$

که Vi ارزش افزوده استان i ام و P^{Vi} سهم ارزش افزوده استان i ام از ارزش افزوده کل کشور است.

بیکاری هر استان به‌عنوان شاخص نیاز به ایجاد شغل و سهم هر استان از کشور به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$P^{Li} = \frac{Li}{\sum_1^n Li}$$

که Li تعداد افراد بیکار استان i ام و P^{Li} سهم بیکاران استان i ام از بیکاران کل کشور است.

بی‌سوادان هر استان به‌عنوان شاخص نیاز به خدمات آموزشی و سهم هر استان از کل کشور به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$P^{Ei} = \frac{Ei}{\sum_1^n Ei}$$

که Ei تعداد افراد بی‌سواد استان i ام و P^{Ei} سهم بی‌سوادان استان i ام از بی‌سوادان کل کشور است.

امید به زندگی در هر استان به‌عنوان شاخص نیاز به خدمات سلامت و نسبت هر استان از کل کشور که به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$PHi = \frac{Hi}{\sum_1^n Hi}$$

که Hi امید به زندگی استان i ام منهای صد و PHi نسبت Hi از امید به زندگی کشور منهای صد است.

مخارج جاری دولت در هر استان و کل کشور و سهم هر استان از کل کشور که به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$PGi = \frac{Gi}{\sum_1^n Gi}$$

که Gi مخارج جاری دولت در استان i ام و PGi سهم مخارج جاری دولت در استان i ام از کل مخارج جاری دولت در استان‌های کشور است.

مخارج سرمایه‌ای در هر استان و کل کشور و سهم هر استان از کل کشور به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$PCi = \frac{Ci}{\sum_1^n Ci}$$

که Ci مخارج سرمایه‌ای دولت در استان i ام و PCi سهم مخارج سرمایه‌ای دولت در استان i ام از کل مخارج سرمایه‌ای دولت در استان‌های کشور است. پس از محاسبه همه نسبت‌ها برای هر استان، از تقسیم سهم بودجه عمرانی و جاری هر استان بر شاخص‌های نیاز و ظرفیت، نسبت‌های شاخص‌های تبعیض بر اساس نیاز و ظرفیت بدست می‌آید و در گام بعدی میانگین این نسبت‌ها بر اساس ظرفیت و نیاز بدست می‌آید. پس از دریافت میانگین این دو شاخص، شاخص تبعیض نهایی برای هر استان محاسبه می‌گردد.

۵. یافته‌های پژوهش

برای برآورد آمار توصیفی و مدل، بعضی از آزمون‌ها مثل آزمون مانایی برای منطقی بودن داده‌ها، آزمون چاو برای نوع تخمین، آزمون هاسمن برای نوع مدل و آزمون کائو برای مشخص کردن رابطه بلندمدت بین متغیرهای مستقل و وابسته باید انجام شود تا محقق مطمئن شود که مدل به شکل درست و صحیح برآورد گردیده است که هر کدام از این آزمون‌های به ترتیب در ذیل تشریح و آورده شده است.

۱.۵. آمار توصیفی

آمار توصیفی به توصیف نمونه پژوهش می‌پردازد و هدف اصلی آن محاسبه اطلاعات برای نمونه است. این آمار به‌طور کلی مفاهیمی مثل (نسبت‌های توزیع‌شده و جدول توزیع فراوانی، نمایش تصویری و هندسی توزیع، معیارهای میانگین داده، میانه، انحراف‌معیار، معیارهای پراکندگی) و مانند آن را توصیف و نشان می‌دهد. از اطلاعات توصیفی به خاطر تبیین وضعیت موضوع مورد مطالعه استفاده می‌شود. در حقیقت خصوصیات موضوع پژوهش با زبان آمار ترسیم و توصیف می‌شود. محقق پس از استخراج اطلاعات، داده‌های پژوهش را به‌صورت منظم دسته‌بندی می‌کند که این کار بیشتر توسط جداول انجام می‌شود و زمانی که محقق می‌خواهد تجزیه و تحلیل اطلاعات را به‌واسطه کامپیوتر انجام دهد، داده‌ها را مطابق اهداف پژوهش برنامه‌ریزی و وارد نرم‌افزار می‌کند. آمار توصیفی مربوط به میانگین، میانه، حداقل و حداکثر برای همه متغیرها در اشکال زیر آورده شده است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرها

آمار توصیفی	مشاهدات	حداقل	حداکثر	میانه	میانگین
مشارکت نیروی کار	279	26.1	45.3	38.5	38.2
نسبت اعتبارات بانکی	279	0.01	22.1	0.9	1.5
تبعیض اقتصادی	279	0	41.2	21.4	21.6
رشد فراگیر	279	5.8	51.1	18.7	19
نرخ تورم	279	39.2	144.2	83	83

۲.۵. آزمون مانایی داده‌ها

یک امر واضح است که نامانایی متغیرها باعث بروز انواع نتایج کاذب از جمله باعث تشکیل رگرسیون کاذب می‌شود، به این ملحوظ لازم است که حداقل یکی از آزمون‌های هم‌انباشتگی برای آزمون ریشه واحد داده‌های تابلوی به کار گرفته شود. بنابراین قبل از برآورد مدل، در قدم نخست آزمون ریشه واحد لوین، لین چو برای متغیرها به‌صورت جداگانه انجام شده است که در جداول ذیل آورده و تشریح می‌گردد:

جدول ۳. آزمون مانایی

نام متغیر	روش	آماره	احتمال	نتیجه
رشد فراگیر	Levi, lin, chu	-۱۶,۲۰۰۹	۰,۰۰۰	متغیر مانا است
مشارکت نیروی کار	Levi, lin, chu	-۴,۳۰۷۱۷	۰,۰۰۰	متغیر مانا است
نسبت اعتبارات بانکی	Levi, lin, chu	-۱۵,۵۴۱۱	۰,۰۰۰	متغیر مانا است
تبعیض اقتصادی	Levi, lin, chu	-۶,۵۳۲۳۵	۰,۰۰۰	متغیر مانا است
نرخ تورم	Levi, lin, chu	-۲۱,۵۶۲	۰,۰۰۰	متغیر مانا است

با توجه به جدول ۳ متغیرهای رشد فراگیر، مشارکت نیروی کار، نسبت اعتبارات بانکی، تبعیض اقتصادی و تورم بر اساس آزمون لوین لین چو، مانا می‌باشند.

۳,۵. آزمون هم‌انباشتگی

همان‌طور که در بخش قبل بیان گردید ارزیابی موجودیت یا عدم موجودیت هم‌جمعی در داده‌های ترکیبی بسیار پراهمیت و ارزشمند و ضروری است. برای جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب و غیرواقعی پیش از آنکه مدل برآورد گردد، آزمون‌های هم‌جمعی باید اعمال شود تا اطمینان حاصل گردد که رابطه بلندمدت بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد. برای آزمون هم‌جمعی می‌توان از سه روش کائو، پدرونی و فیشر استفاده کرد که در این پژوهش از آزمون کائو استفاده شده است.

جدول ۴. آزمون هم‌جمعی به روش کائو

روش	آماره	احتمال	نتیجه
ADF	-۴,۴۲۴۱۳	۰,۰۰۰	یک رابط بلندمدت بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌گردد، آماره ADF برابر با (-۴,۴۲۴۱۳) و مقدار احتمال آن کمتر از ۰,۰۵ درصد است؛ در نتیجه وجود هم‌انباشتگی در مدل با احتمال بالایی ۰,۹۹ درصد پذیرفته می‌شود؛ بنابراین فرضیه H_0 مدل که نشان‌دهنده عدم وجود هم‌انباشتگی است رد و فرضیه H_1 که نشان‌دهنده وجود هم‌انباشتگی در مدل است تأیید می‌گردد. به همین خاطر با احتمال بالایی ۰,۹۹ درصد می‌تواند گفت که یک رابطه بلندمدت بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش وجود دارد.

۴,۵. آزمون چاو (F لیمر)

هنگامی که رگرسیون موردنظر را در داده‌های پانل یا ترکیبی تخمین می‌زنیم، همیشه با دو وضعیت روبه‌رو خواهیم بود. حالت اول این است که پس از تخمین رگرسیون، یک عرض از مبدأ ثابت برای کل مدل به دست آمده، می‌آوریم که به آن مدل تلفیقی می‌گویند. برای تعیین این موضوع از آزمون چاو استفاده می‌شود و فرضیه صفر آن به صورت زیر است:

داده‌ها به صورت پولی است: H_0

در مقابل، عرض از مبدأ برای همه بخش‌ها متفاوت خواهد بود که به آن داده‌های تابلویی می‌گویند و فرضیه آن به صورت زیر بیان می‌شود.

داده‌ها صورت تابلویی است: H_1

فرضیه اول مبتنی بر مقادیر محدود و فرضیه مقابل بر اساس مقادیر نامحدود است. آماره آزمون بر اساس مجموع مربعات خطای مدل مقید و مدل نامقید تعیین می‌شود. به طور کلی، فرضیه H_0 به این معنی است که عرض مبدأ یکسان است و فرضیه مخالف به این معنی است که عرض مبدأ یکسان نیست.

جدول ۵. آزمون چاو (F لیمر)

نتیجه	احتمال	آماره	روش
مدل به صورت تابلویی است.	۰,۰۰۰	۳۸,۰۰۵	F لیمر

با توجه به جدول ۵ چون مقدار احتمال کمتر از ۰,۰۰۵ درصد است؛ بنابراین مدل به صورت پانل (تابلویی) است. در اینجا منظور فقط معنی‌داری است. فرضیه صفر که نشان‌دهنده داده‌های پولد (تجمعی) است با احتمال بالای ۰,۹۹ درصد رد و فرضیه مقابل که نشان‌دهنده داده‌های تابلویی (پانل) هست تأیید می‌گردد.

۵,۵. برآورد مدل نهایی پژوهش

با توجه به آزمون‌های بالا مدل پژوهش حاضر از نوع داده‌های تابلویی با روش FMOLS به شکل زیر برآورد گردیده است.

جدول ۶. نتایج مدل نهایی پژوهش

متغیرها	ضریب متغیر	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
مشارکت نیروی کار	۰,۸۴۷	۰,۰۵۳۹	۱۵,۷۱۶	۰,۰۰۰۰
نسبت اعتبارات بانکی	۰,۲۵۵	۰,۰۴۳۳	۵,۹۰۸	۰,۰۰۰۰
تبعیض اقتصادی	-۰,۱۵۵	۰,۰۱۰۴	-۱۵,۱۵۵	۰,۰۰۰۰
تورم	-۰,۱۲۳	۰,۰۱۱۲	-۱۰,۹۹۷	۰,۰۰۰۰

با توجه به جدول ۶ ضریب همه متغیرها معنی دار است که تفسیر هر کدام آن در ذیل توضیح می‌گردد:

۱- مشارکت نیروی کار مطابق جدول فوق در بلندمدت تأثیر مثبت و معنی داری بر رشد فراگیر در استان‌های ایران دارد؛ طوری که در جدول بالا دیده شده با یک درصد تغییر در این مؤلفه به‌طور درصدی، رشد فراگیر استان‌های ایران را به‌اندازه ۰,۸۴۷ درصد افزایش می‌دهد. در نتیجه می‌توان ادعا کرد که مشارکت نیروی کار تأثیر بسیاری خوبی بر رشد فراگیر استان‌های ایران دارد. این موضوع با پژوهش علیزاده و شقاقی (۱۳۹۵) و پور فرج و همکاران (۱۳۹۱) سازگاری دارد.

۲- با توجه به ضریب متغیرها، نسبت اعتبارات بانکی به تولید ناخالص داخلی که مساوی با ۰,۲۵۵ است؛ نشان می‌دهد که با یک درصد افزایش در نسبت اعتبارات بانکی، رشد فراگیر استان‌های ایران به‌اندازه ۰,۲۵۵ درصد افزایش می‌کند؛ این بدان معنی است نسبت اعتبارات بانکی یک مؤلفه تأثیرگذار بسیار خوب در رشد فراگیر استان‌های ایران است. این موضوع با پژوهش فیض پور و اسفند آبادی (۱۳۹۸) سازگاری دارد.

۳- ضریب متغیر تبعیض اقتصادی نیز معنی دار و دارای اثرات منفی است که مقدار آن برابر با -۰,۱۵۵ می‌باشد. این موضوع بیانگر این مطلب است که با یک درصد تبعیض در توزیع اعتبار بین استان‌های مختلف کشور، رشد فراگیر استان‌های ایران به‌اندازه -۰,۱۵۵ درصد کاهش می‌کند؛ لذا لازم است که دولت به خاطر رشد فراگیر کشور در بخش مذکور توجه جدی نموده و این موضوعات را با تدابیر مدیریتی عالی از بین ببرد و یا به حداقل آن برساند تا کشور به رشد فراگیر دست یابد. این موضوع با پژوهش ایزد خواستی (۱۳۹۷) سازگاری دارد.

۴- متغیر تورم اثر منفی و معنی دار بر رشد فراگیر استان‌های ایران گذاشته است. با توجه به جدول فوق ضریب متغیر تورم برابر با -۰,۱۲۳ است. این موضوع بیانگر این مطلب است که با یک درصد افزایش در نرخ تورم، رشد فراگیر استان‌های ایران به‌اندازه -۰,۱۲۳ درصد کاهش می‌کند که این یک مقدار قابل توجه است و لازم است تا سیاستمداران و مدیران مسئول کشور درباره این موضوع توجه جدی نموده تا رشد فراگیر کشور افزایش نماید. این موضوع با پژوهش فلاحی و همکاران (۱۳۹۴) سازگاری دارد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر رشد فراگیر با تأکید بر تبعیض اقتصادی در تمام استان‌های ایران انجام شده است. داده‌های متغیرهای پژوهش از طریق سایت مرکز آمار ایران در طی دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۸ تمام استان‌های ایران جمع‌آوری و با روش پانل دیتا (داده‌های تابلویی) از طریق برنامه ایویوز تجزیه و تحلیل شده است. قبل از برآورد مدل، آزمون‌های پیش‌نیاز مثل (آزمون ریشه واحد، آزمون هم‌انباشتگی، آزمون چاو یا F لیمر) انجام شده است. آزمون مانایی داده‌های پژوهش حاضر از طریق آزمون ریشه واحد جمعی لوین - لین چو انجام شده که مطابق آن تمام متغیرهای پژوهش با احتمال بالای ۰,۹۹ درصد مانا بوده است. همچنان از آزمون کائو برای هم‌انباشتگی متغیرها استفاده شده است که نتایج آن نشان می‌دهد یک رابطه بلندمدت بین تبعیض اقتصادی، مشارکت نیروی کار، نسبت اعتبارات بانکی، تورم بر رشد فراگیر وجود دارد. آزمون‌های چاو برای بررسی نوع داده‌ها انجام شده است که نشان می‌دهد داده‌های حاضر به شکل تابلویی است؛ به همین خاطر این پژوهش به این روش با استفاده از مدل FMOLS انجام شده است. در این مدل، مقدار ضریب تعیین مساوی ۰,۸۴۱ است که نشان می‌دهد متغیرهای مشارکت اقتصادی نیروی کار، نسبت اعتبارات بانکی، تبعیض اقتصادی و تورم به اندازه ۰,۸۴۱ درصد با درجه بسیار خوبی رشد فراگیر استان را توضیح می‌دهد که این مطلب نشان‌دهنده معنی‌داری بسیار خوب مدل پژوهش حاضر است. در این پژوهش نقش عوامل مشارکت اقتصادی نیروی کار، نسبت اعتبارات بانکی، تبعیض اقتصادی، تورم بر رشد فراگیر استان‌های سنجش گردیده است که نتایج آن نشان می‌دهد مشارکت نیروی کار مطابق جدول فوق در بلندمدت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد فراگیر در استان‌های ایران دارد. یک درصد افزایش مشارکت اقتصادی نیروی کار، رشد فراگیر استان‌های ایران را به اندازه ۰,۸۴۷ درصد افزایش می‌دهد. در نتیجه می‌توان ادعا کرد که مشارکت نیروی کار تأثیر بسیاری خوبی بر رشد فراگیر استان‌های ایران دارد. با توجه به ضریب متغیرها نسبت اعتبارات بانکی به تولید ناخالص داخلی که مساوی با ۰,۲۵۵ می‌باشد نشان می‌دهد که با یک درصد افزایش در نسبت اعتبارات بانکی، رشد فراگیر استان‌های ایران به اندازه ۰,۲۵۵ درصد افزایش می‌کند این بدان معنی است نسبت اعتبارات بانکی یک مؤلفه تأثیرگذار بسیار خوب در رشد فراگیر استان‌های ایران است. ضریب متغیر تبعیض اقتصادی نیز معنی‌دار و دارای اثرات منفی است که مقدار آن برابر با ۰,۱۵۵- می‌باشد. این موضوع بیانگر این مطلب است که با یک درصد تبعیض در بخش‌های جمعیت، بودجه، آموزش، رشد فراگیر استان‌های ایران به اندازه ۰,۱۵۵- درصد کاهش می‌کند لذا لازم است که دولت به خاطر رشد فراگیر کشور در بخش مذکور توجه جدی نموده و این موضوعات را با تدابیر مدیریتی عالی از بین ببرد و یا به حداقل آن برساند تا کشور به رشد فراگیر دست یابد. همچنین. متغیر تورم اثر منفی و معنی‌دار بر رشد فراگیر استان‌های ایران گذاشته است. ضریب متغیر تورم برابر با ۰,۱۲۳- است. این موضوع بیانگر این مطلب است که با یک درصد افزایش

در نرخ تورم، رشد فراگیر استان‌های ایران به اندازه ۰,۱۲۳- درصد کاهش می‌کند که این یک مقدار قابل توجه است و لازم است تا سیاست‌مداران و مدیران مسئول کشور درباره این موضوع توجه جدی نموده تا رشد فراگیر کشور افزایش نماید. به همین دلیل دولت به خاطر دستیابی به رشد فراگیر باید نکات ذیل را در دستور کار خود قرار دهد.

۱,۶. توصیه‌های سیاستی

با توجه نتایج پژوهش مشارکت نیروی کار تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد فراگیر دارد؛ بنابراین یکی از این راهکارها اخذ سیاست‌های حمایتی از جمله حمایت از بخش خصوصی است تا زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی مولد و شمول آن گسترش یابد و رشد ایجادشده فراگیر شود. دوم اینکه نسبت اعتبارات بانکی یکی از دیگر عوامل تأثیرگذار بر رشد فراگیر کشور است. دولت و مسئولین بانک‌ها در این زمینه سهولت و امکانات بهتری را برای مردم ایجاد کند تا اکثر مردم به آن دسترسی پیدا کرده و به کمک آن رشد فراگیر کشور افزایش یابد. سوم اینکه تبعیض که باعث کاهش رشد فراگیر در کشور می‌شود بنابراین، دولت تلاش کند در بخش بهداشت، امید به زندگی، آموزش و غیره تبعیض بین استان‌های ایران را کاهش دهد تا رشد فراگیر استان‌های کشور افزایش نماید. سرانجام مؤلفه تورم که تأثیر منفی و معنی‌داری بر رشد فراگیر داشته است لذا باید مورد توجه ویژه سیاست‌مداران و مسئولین بویژه شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌های ایران قرار گیرد و با دادن اختیارات و مسئولیت‌های مختلف نقش استان‌ها در انضباط مالی و پولی پر رنگ شود.

منابع

- ایزد خواستی، حجت. (۱۳۹۷). تحلیل تأثیر کیفیت حکمرانی و ترکیب مخارج دولت بر رشد اقتصادی در ایران: رویکرد درون‌زا. فصلنامه اقتصاد مقداری، ۱۵(۴).
- پورفرج، علیرضا؛ جعفری صمیمی، احمد؛ فلاحی، محمد علی. (۱۴۰۱). تأثیر بی‌ثباتی بودجه جاری و انباشت بدهی بر رشد اقتصادی ایران. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۳۹(۱۶).
- عزتی، مرتضی. (۱۳۹۲). تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای در ایران. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱(۳)، ۷۷-۱۰۲.
- عزتی، مرتضی؛ شهریاری، لیلا؛ نجفی، محدثه؛ شفیعی، علی. (۱۳۹۲). برآورد اثر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر رشد اقتصادی استان‌های کشور. فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۳(۱۲)، ۳۹-۵۶.

- علیزاده، شیوا؛ شقاقی شهری، وحید. (۱۳۹۵). آثار اقتصاد دانش‌بنیان بر درون‌زایی اقتصاد ایران (در راستای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی). مقاله علمی وزارت علوم، ۱۳(۲۶).
- غفاری فرد، محمد؛ شجاعی، محمدرضا. (۱۳۹۸). بررسی عملکرد توزیع بودجه بین استان‌های مختلف ایران بر اساس ظرفیت و نیاز آن‌ها طی سال‌های اول و آخر دولت دهم و یازدهم. فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۷(۲۸)، ۱۴۳-۱۱۱.
- فلاحی، محمد علی؛ فرهنگ دوست، سارا؛ ناصری، سیده فاطمه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین درآمدهای نفتی، کسر بودجه، حجم پول و تورم در ایران. اولین کنفرانس بین‌المللی اقتصادی کاربردی و تجارت، مقاله کنفرانسی: <https://civilica.com/doc/414782>
- فیض پور، محمدعلی؛ شمس اسفند آبادی، علی؛ (۱۳۹۸). دستمزد و بهره‌وری در صنایع تولیدی ایران با راهبرد رونق تولید. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۷(۳).
- گوهری، لیدا. (۱۳۹۹). تعیین چارچوبی برای اندازه‌گیری رشد فراگیر (مطالعه موردی کشورهای با درآمد متوسط به بالا با تمرکز بر ایران). دو فصلنامه: بررسی مسائل اقتصاد ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۷(۲)، ۳۰۷-۳۳۹.
- مزینی، امیرحسین. (۱۴۰۰). رشد فراگیر در استان‌های ایران: سیاست‌ها و شاخص‌ها. پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲۱(۴)، ۳۱۳-۲۸۳.
- ملکی شهریور، مجتبی. (۱۳۹۷). تأثیر تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای بر رشد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد توسعه، شماره ۵۴، ۳۰-۶۳.
- میر جلیلی، سید حسین؛ محسنی چراغلو، امین؛ صفری، امید. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر رشد فراگیر کشورهای منتخب سازمان همکاری اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۸(۳۲).
- Alekhina, V., & Ganelli, G. (2020). Determinants of Inclusive Growth in ASEAN. IMF Working paper Asia and Pacific Department, WP20-118.
- Ali, I., & Son, H. H. (2007). Measuring Inclusive Growth. Asian Development Review, 24(1), 11-31.
- Deining, K., & Squire, L. (1996). A new data set measuring income inequality. The World Bank Economic Review, 10(3), 565-591.
- Dutzler, B., Johnson, S., & Muthoora, P. (2021). The Political Economy of Inclusive Growth. How to Achieve Inclusive Growth, 539.
- Economist Intelligence Unit. (2017). Inclusive Growth Opportunities Index, Navigating InCountry Opportunities for Technology-Enabled Sustainable Investing. Morgan Stanley Institute, 1-65.
- Hidayat, I., Mulatsih, S., & Rindayati, W. (2020). The Determinants of Inclusive Economic Growth in Yogyakarta. Journal Economia, 16(2), 200-210.

- development review, 18(1), 1-16.
- Krysovaty, A., Zvarych, I., Brodovska, O., Shevchenko, I., & Krasnorutsky, O. (2023). Development of Inclusive Economy as the Basis of Economic Growth of the Global Economy. *TEM Journal*, 12(2), 936-947.
- American economic review, 45(1), 1-28.
- Ramadhani, N., & Rahmawati, F. (2020). Analysis of Inclusive Economic Growth in Districts/ Cities in East Java. *Advances in economics, Business and Management Research*, 210.
- Rini, D. L., & Tambunan, T. T. H. (2021). Inclusive Growth and its Determinants Recent Evidence from Indonesia with Provincial Data. *Annals of Social Sciences & Management studies*, 6(2). DOI:10.19080/ASM.2021.06.555682
- Satrianto, A., & Juniardi, E. (2023). Inclusive Human Development and Inclusive Green Growth: A simultaneous Approach. *International Journal of Sustainable Development and planning*, 18(2), 523-530.
- Context of the Theory of Sustainable Finance in the European Union Countries. *Sustainability*, 14(1), 100.
- Thorat, S. (2011). Growth, inequality and poverty linkages during 1983–2005: Implications for socially inclusive growth. *Indian Journal of Agricultural Economics*, 66(1), 1–32.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی